

در عظیم خلوت من ! / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست . (فریدون ایل ییکی)
به سراغ من اگر می آئید / فرم و آهسته بیایید / مبادا که ترک بردارد / چینی نازک تنهائی من . (سهراب سپهری)

(گاه روزانه های دیروز ... و امروز)

نشر دیگران



فهرست موضوعی : ادب و هنر دینی سیاسی مارکسیستی ویژه نامه ها فهرست الفبائی آمده ها

دیگر "نشر" : 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17

736

تورج اتابکی : سندیکالیسم در جنبش کارگری ایران در فاصله سالهای 1320-25

۱	غلامحسین ساعدی	تصویر جمهوری اسلامی در آینه قصه‌ها	
۱۱	آصف بیات	تجربه شوراهای کارگری در انقلاب ایران	
	xalvat.com	سندیکالیسم در جنبش کارگری ایران در-	
۳۹	تورج اتابکی	فاصله سالهای ۲۵ - ۱۳۲۰	
۶۰	جیمز میل	پول و از خودبیگانگی	
۷۰	انگلس	يك نامه انگلس به مارکس	
۷۳	پابلو نرودا	بدرودها	
۷۴	م. سحر	جنگل و تبر	
۷۵	م. سحر	غزل آزادی	
۷۶	اسماعیل خویی	آموختن از مرگ	
۷۸	ف. ک	اینجا و امروز	
۸۱	بهروز آذر	فتح	
۹۵	منوچهر ایرانی	مرغوا	
۱۰۰	ناصر پاکدامن	مقایسه‌هایی از دو ترجمه همزمان کلیله و دمنه	
۱۲۴	ان. اس. رامامیرتام	خاک رس	
۱۳۰	فریبرز جعفرپور	مشتري بيت المقدسي	
۱۳۱	فریبرز جعفرپور	ماهگیر با تقوا	
۱۳۲	فریبرز جعفرپور	يك اتفاق كوچك	
۱۳۴	زیتلا کیهان	سیمای مارگریت یورسنار	
۱۳۹	ح. ن	نمون شناسی رسانش در تعزیه	
۱۵۲	ا. ساروی	چماقهای زرد در دستهای سبز	
۱۶۴	پ. ا	زیستن با احساس مرگ	
۱۷۴		يك نامه دیگر از جلال	
۱۷۶		دو تذکر	

xalvat.com

الفبا

بهروز آذر • پ. ا • تورج
 اتابکی • منوچهر ایرانی • آصف
 بیات • ناصر پاکدامن • فریبرز
 جعفرپور • اسماعیل خویی • ا.
 سارویی • غلامحسین ساعدی
 م. سحر • ف. ک • زیتلا کیهان
 ح. ن

با آماری که در دست است، می‌توان جدول زیر را برای جمعیت کل کشور، و نیز توزیع جمعیت‌های شهری و روستایی در سال ۱۳۹۹، رسم کرد:

xalvat.com

جدول شماره "۱"

جمعیت کل و توزیع جمعیت‌های شهری و روستایی (به میلیون) (۱)

سال	جمعیت کل	درصد	جمعیت شهری	درصد	جمعیت روستایی	درصد
۱۳۹۹	۱۱/۳۷	۱۰۰	۲/۳۹	۲۱	۸/۹۸	۷۹

این که دقیقاً چه درصدی از جمعیت شهری را در این زمان، کارگران تشکیل می دادند، مشخص نیست. آمار موجود تنها تعداد کارگران پاره ای از شهرها را نشان می دهد.

جدول شماره "۲"

جمعیت پاره ای از شهرها و تعداد درصد کارگران (به هزار) (۲)

شهر	جمعیت کل	تعداد کارگران	در صد
تهران	۲۰۰	۵۰ *	۲۵
تبریز	۲۰۰	۳۰	۱۵
رشت	۴۰	۱۵	۳۷/۵
انزلی	-	۱۰	-

* جایی دیگر در همین ماه، تعداد کارگران تهران ۲۰/۰۰۰ نفر آمار شده است.

در جدول بالا جای شماره کارگران پاره ای از شهرهای بزرگ از جمله: مشهد و مغان خالی است. در مورد شماره کارگران نواحی جنوبی کشور که عمدتاً در صنایع نفت اشتغال داشتند، رقمی که در دست هست، از ۲۳/۲۳۲ تن روایت می کند. (۳) یکی از رهبران جنبش کارگری ایران، در بررسی ای که از تاریخ این جنبش ارائه داده، مدعی است که تعداد کل کارگران کشور پیش از سلطنت رضاحان پهلوی (۱۳۰۴) رقمی در حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر بوده است. (۴)

در سال ۱۲۹۹، از پیوستن ۱۰ اتحادیه (۵) تازه تشکیل شده، نخستین تشکیلات گسترده کارگری که نام "شورای اتحادیه های کارگری تهران" را بر خود نهاد بر پا شد. (۶) اتحادیه های گردآمده در شورای اتحادیه های کارگری تهران از جمله عبارت بودند از: اتحادیه خبازان با ۳۰۰۰ عضو، اتحادیه خیاطان با ۲۰۰۰ عضو، اتحادیه کفاشان با ۱۸۰۰ عضو، اتحادیه شاگردمغازه ها با ۳۵۰ عضو، اتحادیه قنادها با ۳۰۰ عضو، اتحادیه کارگران پست و تلگراف با ۲۷۰ عضو، اتحادیه کارکنان تجارت خانه ها با ۲۵۰ عضو، اتحادیه کارگران چاپ خانه ها با ۱۸۰ عضو و اتحادیه کارگران زردوزی با ۱۵۰ عضو. (۷)

سال شماره اتحادیه های عضو شورای اتحادیه های کارگری تهران به ۱۵ اتحادیه رسید. از جمله اتحادیه های تازه پا گرفته می توان از "اتحادیه کارگران پارچه بافی" با ۲۰۰۰ عضو و "اتحادیه کارگران ساختمانی" با ۵۰۰ عضو نام برد. (۱۶) آموزگاران مدارس دولتی نیز با ۱۸۰۰ عضو، اتحادیه خود را برپا کردند. (۱۷)

به دنبال نخستین گامهایی که در راستای سازمان دهی سندیکایی کارگران برداشته شد، از سال ۱۳۰۴، جنبش اعتصابی به تدریج گسترش یافت. از مهم ترین اعتصاب های این دوره، اعتصاب هفت روزه کارگران پارچه بافی در مرداد ۱۳۰۴ برای افزایش دست مزد

سندیکالیزم در جنبش کارگری ایران در فاصله سالهای ۱۳۳۰-۲۵ [1320-25]

توج اتابکی

xalvat.com

درآمد

اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و پایان عمر رضاخان پهلوی، آغاز دومین تجربه جنبش کارگری ایران در راستای سازمان دهی سندیکایی بود. این دومین تجربه سندیکالیزم به دنبال گسستگی تاریخی ده ساله ای (۱۳۲۰-۱۳۱۰)، در پیوستگی جنبش کارگری ایران می آمد. گسستگی تاریخی ای که با تثبیت حکومت پهلوی اول آغاز شد و تا پایان عصر این حکومت ادامه یافت. در طول این مدت، نه تنها تمامی دست آوردهای جنبش کارگری ایران باز ستانده شد، بلکه جامعه نیز خود چنان تحولاتی را تجربه کرد که ایرانی که در آستان جنگ دوم قرار گرفته بود، از ایران پایان نخستین جنگ جهانی، بسیار متمایز می نمود. پیش از روی این گسستگی تاریخی و بررسی نخستین تجربه های سندیکا گرای در ایران، برای شناخت پیشینه سازمان گزایی جنبش کارگری اوایل دهه ۱۳۳۰ ضرور می آید.

نخستین تجربه ها: ۱۳۱۰-۱۲۹۹

هر چند اولین نشانه ها از سازمان دهی سندیکایی در ایران به سالهای ۱۲۸۶-۷، یعنی ایجاد اتحادیه های کارگران چاپخانه های تهران، قالی بافان کرمان، کارگران واگن های اسبی و تلگراف چیان بر می گردد. اما تنها از سالهای پایانی قرن گذشته بود که جنبش سندیکایی در ایران به گونه ای گسترده شکل گرفت.

در هیات رهبری شورای اتحادیه ها، از هر اتحادیه ای ۳ نماینده حضور داشت. (۸) هم زمان با تهران، کارگران دیگر شهرها نیز به سازمان گزایی منفی - سیاسی رو آوردند. از جمله در آذربایجان، پیش روان حرکت کارگری بر سازمان خود نام "حزب کارگران" گذاشتند و در مراغه آمد که: تنها کسانی می توانستند عضویت این حزب در آیند که از طریق استعمار کار دیگران زندگی نکنند. (۹) این شکل کارگری که ماهیت خالصاً کارگری نداشت و بیشتر به یک حزب سیاسی شباهت داشت توانست ۳۰۰۰ تن، از ۳۰/۰۰۰ تن کارگران تبریز را در صفوف خود جای دهد (۱۰). از ۱۵/۰۰۰ تن کارگر رشت ۳۰۰۰ تن در اتحادیه ها، کارکنان چاپ خانه ها، کلاه داران، کفاشان، گدا آمدند.

انزلی "اتحادیه" کارگران ماهی گیر" توانست ۳۰۰۰ تن را متشکل کند. در همین زمان اتحادیه دیگری در انزلی با نام "اتحادیه" کارگران بندر" تشکیل شد که ۲۰۰ نفر عضو داشت (۱۱).

xalvat.com

حاجل بیوند حرکت تاریخی تهران و دیگر شهرها، برپایی اتحادیه مرکزی ای بود که با نام "شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای کارگران ایران" به سال ۱۳۰۰ ایجاد گردید و هدف خود را "رهبری جنبش سندیکایی در سطح کشور" اعلام کرد. همین شورای مرکزی یک سال بعد، یعنی به سال ۱۳۰۱ به عضویت "بین الملل سندیکاهای سرخ" (پروفاپنترن) درآمد و محمد دهگان به عنوان دبیر شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای کارگران ایران به عضویت تحریریه "ما هانه" پروفاپنترن پذیرفته شد.

در نهم دی ماه ۱۳۰۰، نخستین شماره "روزنامه" "حقیقت" در ارگان شورای اتحادیه های کارگری تهران به مدیریت "سید محمد دهگان" منتشر شد. "جعفر پیشه وری" که سالها بعد در مقام صدر "فرقه" دمکرات آذربایجان خود نمایانید، در حبات "حقیقت" نقشی چشم گیر داشت (۱۲). شاید عضویت "پیشه وری" در حزب کمونیست ایران در آن سالها بوده، که پاره ای از پژوهشگران را بر آن داشته تا "حقیقت" را علاوه بر ارگان حزب کمونیست ایران "بخوانند" (۱۳). در این که پیوندی زنده بین "حقیقت" و حزب کمونیست ایران وجود داشته، جای تردید نیست. اما سندی در دست نداریم تا چنین پیوندی را به سطح "ارگان مرکزی" ارتقا دهد. "سلطان زاده" که از نظریه پردازان بزرگ حزب کمونیست ایران به شمار می آمد، در مقاله ای که درباره "مطبهات ایران" نوشته، "حقیقت" را "مدافع منافع کارگران و دهقانان" دانسته و مدعی است که "روزنامه" "حقیقت" در دام زدن به مبارزه طبقاتی کوشای بوده و علیه طبقات حاکم مجدانه مبارزه می کرده است (۱۴). همو، در همان مقاله، تیراژ "حقیقت" را رقمی بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نسخه می داند و رقمی که با ادعای یکی دیگر از رهبران جنبش کارگری ایران - درباره "تیراژ" "حقیقت" - هم خوانی دارد (۱۵).

به سال ۱۳۰۱، "حقیقت" پس از ۱۰۴ شماره انتشار از سوی دولت توقیف شد. بهانه دولت برای توقیف "حقیقت"، خروج از حدود نژادت مطبوعات "اعلام شد که گویا "حقیقت" در مشاجره ای با روزنامه "اتحاد" ارگان جناحی از دمکراتها، مرتکب شده بود. چندی پس از توقیف "حقیقت"، شورای اتحادیه های کارگری تهران، روزنامه دیگری به نام "کار" در همان قطع "حقیقت" و در ۲ صفحه منتشر کرد.

به زودی شماره کارگرانی که در چهار جوب شورای اتحادیه های کارگری تهران سازمان یافته بودند، روبه فزونی گذاشت. به استناد آماری که از سال ۱۳۰۱ در دست است، در این

۴۲۴۱

بود. در همین سال هنگامی که دولت وقت انتشار ۲ روزنامه را ممنوع اعلام کرد، تنها می کارگران چاپخانه ها دست از کار کشیدند. این اعتصاب سبب شد تا دولت پس از دو روز عقب نشینی کرده و رفع توقیف ۲ روزنامه را اعلام کند (۱۸).

در پی اعتصاب های یا شده، حرکت گسترده ای از سوی دولت برای تحدید جنبش سندیکایی آغاز شد. نخستین گام در این حرکت اعلام ممنوعیت عضویت کارمندان دولت در اتحادیه ها بود. سپس در آستان انتخابات مجلس ششم در پاییز ۱۳۰۴، دولت، شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای کارگران ایران را رسماً منحل اعلام کرد و رهبران را تحت پی گرد قرار داد.

هر چند نخستین حمله گسترده به جنبش سندیکایی ایران، مانعی در هستی نگا ملی این جنبش به شمار می آمد. مانعی که در صورت نبودش، جنبش سندیکایی ایران می توانست هستی و تجربه پیوسته ای داشته باشد. اما هنوز تا سال ۱۳۱۰، یعنی تا محو کامل تمامی اشکال گونه گون سازمان دهی سندیکایی، که دست آوردی برای جنبش کارگری ایران به حساب می آمد، ۶ سال باقی بود.

شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای کارگران ایران بلافاصله پس از انحلال به کار مخفی روی آورد. نخستین گام برای متشکل کردن کارگران منابع نفت نیز در همین زمان برداشته شد: شماری از کارگران حزب کمونیست ایران که دوره های آموزشی "دانشگاه مسکو برای زحمت کشان شرق" (کوئو) را گذرانده بودند، با صلاح دید حزب برای سازمان دهی کارگران منابع نفت جنوب ایران، راهی آن سازمان شدند. "اردا شانس" و "انسان" اینان را: "میرایوب شکبیا، علی شرقی، رحیم همداد و دیگران" معرفی می کند. از جمله "دیگران" باید از "یوسف افتخاری" نام برد. او نیز مانند دیگر رهبران "کوئو" را گذرانده بود (۱۹). شاید جدا بی، سر نو: "افتخاری" از دیگر رهبران "حزب توده" ایران "باشد، که در متون حزبی، هیچ گاه از او به مثابه یکی از پیش کسوتان جنبش کارگری ایران نامی به میان نیامده است. ما در همین نوشته، وقتی به بررسی جنبش کارگری بعد از شهریور ۱۳۲۰ می پردازیم، دوباره سراغی از او خواهیم گرفت.

سازمان دهی دوباره اینان در بین کارگران منابع نفت، منجر به برپایی "جمعیت کارگران نفت جنوب" به سال ۱۳۲۶ شد. این جمعیت که "سازمانی نیمه مخفی" بود (۲۰) در پاییز ۱۳۰۶، به دنبال کنفرانسی که با شرکت ۲۰۰ نماینده برپا کرد، "مورثی از مطالبات خود را به دولت عرضه داشت، در این صورت، در کنار خواسته های صرفاً اقتصادی، آزادی تشکل و اقدامات آموزشی و اجتماعی نیز به چشم می خورد" (۲۱). از دیگر قرا رهای کنفرانس، "تشکیل جمعیت تعاونی مبارزه علیه جرمه" بود (۲۲). در اوائل بهمن ۱۳۰۷، دومین کنفرانس جمعیت کارگران نفت جنوب برپا شد. تعداد

xalvat.com

جدول شماره ۲

بودجه های هزینه شده وزارت خانه ها (به میلیون ریال) (۲۸)

وزارت خانه	۱۳۱۰	۱۳۱۹

اعضای جمعیت را در این زمان ۳۰۰۰ تن روایت کرده اند (۲۳).

دومین کنفرانس نیز، مزید بر فشاری برخواست های پیشین خود، کمپانی نفت را تهدید کرد که در صورت عدم تمکین به مطالبات جمعیت، به اعتصابی گسترده، در اول ماه مه ۱۳۰۸ دست زند. کمپانی نفت نیز برای عقیم گذاشتن تهدید جمعیت در شب ۹ اردی بهشت ۱۳۰۸، ۹۳ تن از فعالین و اعضای جمعیت را بازداشت کرد (۲۴). اما با زداشت رهبران جمعیت نتوانست جلوی اعتصاب را بگیرد. در ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۸

صنایع و معادن	-	۹۶۶
تجارت	-	۱۰
راه	۱	۱/۰۹۲
پست و تلگراف	۱۹	۹۰
مالیه	۷۷	۲۶۶
کشاورزی	۱	۱۲۲

پی آمد چنین تحولی در بودجه‌های هزینه‌شده، دگرگونی بی‌نظم و توزیع جمعیت شهری - روستایی به وجود آمد: از ۱۴/۵۵ میلیون جمعیت ایران در سال ۱۳۱۹، ۳/۲ میلیون راجعیت شهری تشکیل میداد، یعنی ۲۲٪ در قیاس با ۲۱٪ که به سال ۱۲۹۹ بود (۲۹).

آمارهای که از جمعیت کشور و توزیع آن بر بنیاد گونه‌گونی مشاغل برای سال ۱۳۱۶-۱۷ داریم، خود مویذ رشد ستان صنعتی شدن و فرایند شهرنشینی در مقطع ۲۰-۱۳۱۰ است. بر اساس این آمار شماره صنعت گران ماشین و غیره در این سالها به ۸۶۸/۳۸۱ تن، دارندگان مشاغل آزاد به ۰۳۱/۳۳۸ اتن و مستخدمین دولت به ۵۴۹/۷۰۶ رسید (۳۰).

بهر رو شماره کارگران در آغاز و پایان دوران تثبیت حکومت رضاخان پهلوی هر چه باشد، گام‌هایی که برای سازمان دهی سندیکایی کارگران در پایان و آغاز دو جنگ جهانی در پهنه ایران برداشته شد، از ویژگیهای کاملاً متفاوتی برخوردار بود. پایان جنگ اول جهانی سر - آغاز نخستین گام‌های بلندی بود که جنبش کارگری ایران در راستای سازمان دهی سندیکایی برداشت.

از جمله موفقیتهایی که برای نخستین تجربه سازمان دهی سندیکایی حاکم بود، ضعف کمی طبقه کارگران و نبود شناختی کافی از ویژگیهای کارکرد سیاسی و صنفی جنبش کارگری از سوی رهبران این جنبش و در نتیجه "سیاسی کردن افراطی اتحادیه‌ها و تبدیل آنها، به سازمان‌های صرفاً "سیاسی" (۳۱) و نیز بی‌گروید و سرکوب گسترده از سوی دولت مرکزی را میتوان نام برد.

با اشغال ایران در شهریور ماه ۱۳۲۰ توسط نیروهای متفقین و سقوط رژیم که از دیدگاه محافظه کارترین ناظران، رهبرش "در سالهای آخر حکومت به هیأت مستبدی بیرحم، آزمند و خودکامه" (۳۲) در آمد، دوران نوین در هستی جنبش کارگری ایران آغاز شد.

۴۴ ۴۴

۹/۰۰ تن از کارگران دست از کار کشیدند. خواهشهای کارگران اعمامی، علاوه بر آزادی باران نشان، عبارت بود از: افزایش دست مزد، داشتن نما بنده ای در کارگزاری کمیته نفت ناظر بر استخدام و اخراج کارگران، حق مرخصی با حقوق، ساعت کار روزانه، ارائه خانه یا اجاره ای در خورای زسوی شرکت، بیمه بازنشستگی استخدام صنعت گران ایرانی به همان سیاق استخدام هندی ها، بررسی شکایات از سوی مقامات پلیس ایران، طرح اختلافات بین اروپائیان و ایرانیان با کمیته و ایرانیان در دادگاه های ایران، برابری شرایط استخدام برای کارمندان ایرانی و هندی، پایان برنامهمه تخریب محلات مسکونی در آبادان و دیگر جاها (۲۵).

پاسخی که کمیته نفت به این اعمام داد، سخت بود. اعمام با بازداشت، و سپس اخراج ۳۰۰ تن از کارگران در هم شکسته شد (۲۶). تنی چند از رهبران اعمام باز جمله یوسف افتخای، رحیم همداد، علی زاده، و علی امید - که بعدها، یعنی در دوره هستی جنبش سندیکایی ایران نقش فعالی به عهده گرفت - برای سالها، یعنی تا پایان عمر رضاخان پهلوی روانه زندان شدند.

از دیگر اعمام های چشمگیر این دوره، اعمام موفق ۵۰۰ کارگر "کارخانه نساجی وطن اصفهان" بود که به تاریخ اردی بهشت ۱۳۱۰ واقع شد. در رهبری این اعمام حزب کمونیست ایران از طریق یکی از کارهایش، به نام "نمرا لاله ملانی"، دخالت داشت (۲۷). خواست های اعمام کنندگان که افزایش ۴٪ دست مزد و تقلیل ساعات کار از ۱۲ ساعت به ۹ ساعت در روز بود، بلافاصله از سوی دولت پذیرفته شد.

اعتماد کارگران اصفهان، آخرین نشانه از حرکت کارگری است که پیش از تثبیت حکومت پهلوی اول به چشم می خورد. در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ قانونی به تصویب مجلس هشتم رسید که بعدها به "قانون سیاه" شهرت یافت. دولت به استناد این قانون هر گونه سازمان دهی سندیکایی را ممنوع اعلام کرد و توانست با اعمال خشونت بی حد، برای ده سال در پیوستگی تجربه سندیکالیسم ایران شکاف بیاندازد.

دومین تجربه در زمینه سازمان دهی سندیکایی در ایران در پی چنین گسستگی تاریخی ای بود که شکل گرفت. اما ما چامعه نیز در طول این ده سال دگرگونی های چشم گیری را تجربه کرد. فرآیند صنعتی شدن ایران در فاصله سالهای ۲۰-۱۳۱۰، یعنی دوران نسبیت حکومت رضاخان پهلوی از آن بسمه بود. این فرآیند با شروع دارمجلس هشتم آغاز گردید. رضاخان پهلوی در جریان افتتاح این مجلس در ۲۳ آذر ۱۳۰۹ آرزو کرد این مجلس در تاریخ ایران "مجلس اقتصادی" نام گیرد. هر چند تحولی که او و یاران نظریه پردازش همچون داور، تیمورتاش و احمد متین دفتری در نظر داشتند، درباره ای از زمینه ها با ناکامی روبه رو شد اما از دیدگاه دخالت مستقیم دولت در دگرگونی ساختار اقتصادی ایران دوره رضاخانی نمونه چشم گیری در بین کشورهای خاور میانه است.

تلاش دوباره برای سازمان دهی ۲۲- ۱۳۲۰

بلافاصله پس از اشغال ایران توسط نیروهای شوروی و بریتانیا در سوم شهریور ۱۳۲۰، پایمه و بنیان های حکومت ۲۰ ساله، رضاخان پهلوی بملک باره فرو ریخت و فضای باز سیاسی که خود حاصل بلافاصله چنین تحولی بود، از پس بیش از ده سال دوباره خنوم نیامد. دولت فروغی که به دنبال استعفاء رضاخان پهلوی، نقش ضامن برای استحاله حکومتی خودکامه به رژیم پای

بهر رو، در آستان دومین تجربه جنبش سازمان گرایی کارگری ایران، با چنین شرایطی از گرومندی سیاسی بازندانان آزاد شده، کارهای حرفه ای جنبش سندیکایی و فعالین حرکت کمونیستی روبرو میباشیم. بازگشت این زندانیان و دیگر سازمان دهان کاری، که از پیگرد حکومت رضاخانی جان بدر بردند و واحدهای کار بلافاصله خود را در شکل گیری جنبش اعتراضی کارگری نشان داد.

حسین حرزات انصرافی درمعدن زغال سنگ حومه تهران و برخی از واحدهای صنعتی در شمال کشور از جمله نساجی چالوس شکل گرفت. در شمال کمبسیب حضور نیروهای شوروی، سازمان دهان جنبش کارگری از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند، حرکت اعتصابی تا حد اشغال کارخانه‌ها پیش رفت.

از همان آغاز دوگرایش در قلم روسازمان دهی سندیکایی جنبش کارگری مطرح شد: یوسف افتخاری به همراهی علی امید، رحیم همداد و خلیل انقلاب آذر که از پنجاه و سه نفر بودند، سازمان با نام "اتحادیه کارگران ایران" برپا کردند. در کنار این اتحادیه، روزنامه‌ای نیز منتشر میشد، با نام "گیتی" که سنفر از پنجاه و سه نفر "حکمی"، "منو" و "جهان شاملو" نیز در شماره‌های نخستینش با آن هم‌کاری میکردند. (۳۵) اتحادیه کارگران ایران بیشترین تلاش را برای حفظ سرشت کارگری خود و مرزبندی با سازمان‌ها و احزاب سیاسی از جمله حزب توده، ایران به کار می‌برد (۳۶).

از سوی دیگر حزب توده نیز پس از تشکیل، هم‌گام با تلاش برای جلب کارگران به صفوف خود درمعدن ایجاد اتحادیه‌های کارگری برآمد. این تلاش در اسفند ۱۳۲۰ منجر به وجود آمدن شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران گردید. یک سال بعد، با شرکت نمایندگان ۲۶ اتحادیه کارگران صنعتی، پنجاه و سه کارمند نخستین کنفرانس شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران در تهران تشکیل شد. از جمله اتحادیه‌های شرکت‌کننده در کنفرانس عبارت بودند از: اتحادیه‌های کارگران رستوران‌ها، کارگران سینماها، رفتگران شهرداری، کارگران کارگاه‌های خیاطی و نجاری، پیمندوزها، سنگ‌برها، شاگردان‌ها، کارمندان وزارت دادگستری، کارگران معدنچیان، کارگران راه‌آهن، مکانیک‌های راه‌آهن، کارگران نساجی، کارگران کلیسای سازی، کارگران کبریت سازی، کارگران نوشابه‌سازی، کارگران ساختمان و کارگران سیمان سازی. از دیدگاه مستگاه جغرافیایی این اتحادیه‌ها عمدتاً "از مناطق شمالی کشور، تهران و شمال خراسان و شهرهای حوزه دریای خزر می‌آمدند" (۳۷).

نخستین کنفرانس شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران پیش از هر چیز به سازمان دهی تشکیلاتی خود پرداخت و شورایی مرکب از چهار نفر را به رهبری انتخاب کرد. این چهار نفر همگی از رهبران و کادرهای بالای حزب توده ایران بودند: "زاروستا" که برای سال‌ها رهبری این اتحادیه را بر عهده گرفت، از اعضای حزب کمونیست ایران بود. او که برای دو سال در "دانشگاه مسکو برای زحمت‌گشان شرق" آموزش دیده بود، به سال ۱۳۰۲ برای سازمان دادن سندیکایی کارگران تهران و اصفهان به ایران بازگشت. او در جریان نخستین کنفرانس حزب توده که نام کنفرانس ایالتی تهران را داشت و در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۲۱ برپا شد، به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد. آرداش آوانسیان با پیشینه‌ای طولانی در سازمان دهی جنبش چپ ایران دارو - سازی بود که نخست به حزب کمونیست ایران پیوست، سپس در جنبش جنگل و حرکت منتهی به تشکیل جمهوری شوروی گیلان، فعالانه شرکت کرد. پس از شکست جمهوری به شوروی گریخت

بند قانون اساسی را بر عهده داشت، در بیست و هشت شهریور ۱۳۲۰ لایحه‌ای را مبنی بر امر بخشودگی یک چهارم محکومیت زندانیان سیاسی، از تصویب گذراند. هم‌اوست که گام دیگر توانست پیش نهاد دولت مبنی بر عفو عمومی زندانیان سیاسی را در تاریخ بیست و چهار مهر همان سال از تصویب مجلس بگذراند. بخش بزرگی از این زندانیان را نخستین فعالین جنبش کارگری، کادرهای با سابقه حزب کمونیست ایران و نیز اعضای گروهی تشکیل میداد که به نام ۵۳ نفر شناخته میشد.

۵۳ نفر، کسانی بودند که هر یک به نوعی با جریان مارکسیستی که در حوال انتشار نشریه علمی موسوم به "دنیا" شکل گرفته بود، پیوند داشتند. نشریه دنیا که به نام بنیان گذاران "دکتر ترقی ارانی" پیوند داشت توانست در فاصله سال (۱۶-۱۳۱۳) در پوشش‌های گوناگون به امر نشر اندیشه‌های سوسیالیستی در میان لایه‌ای از تحصیل کردگان شهری دست زند. تلاش این جریان، در سال ۱۳۱۶ و بازداشت گروه نهم گون ۵۳ نفر "آخرین ضربه‌ای بود که حکومت خودکامه وقت بر حرکت سوسیالیستی ایران وارد ساخت. برخورد ۵۳ نفر "با نخستین فعالین جنبش کارگری و کادرهای حزب کمونیست ایران، در زندان، و مجادله‌ها و جناح‌بندی‌هایی که پیرامون حرکت سوسیالیستی در عرصه جهان و در مقیاس ملی پیش آمد، چنان بود که مهر خود را بر پیشانی این دومین تجربه سازمان‌گرایی جنبش کارگری ایران، که از سال ۱۳۲۰ آغاز شد، نیز کوبید.

با آزادی نخستین گروه از زندانیان سیاسی ۲۶ نفر از گروه ۵۳ نفر با همگامی تنی چند از اعضا باقی مانده حزب کمونیست ایران و نیز چهره برجسته‌ای از سوسیال دموکراسی ایران، مانند سلیمان میرزا اسکندری، تشکیل "حزب توده ایران" را در هفت مهرماه سال ۱۳۲۰ اعلام کردند. جعفر پیشه‌موری از کادرهای برجسته حزب کمونیست ایران و کمیسر داخلی "جمهوری گیلان" که از سال ۱۳۰۹ در زندان به سر می‌برد و در آنجا رهبری جناحی از زندانیان کمونیست را بر عهده خود داشت، هر چند در جلسه موسسان حزب توده شرکت کرد (۳۳) اما هیچ گاه به حزب توده نپیوست و او بعدها در تهران روزنامه‌ای به نام آژیر منتشر کرد و در سال ۱۳۱۴ "فرقه دمکرات آذربایجان" را تشکیل داد.

از دیگر کسانی که راه خویش را در آغاز از موسسین حزب توده جدا کردند، باید از سه تن کادرهای حرفه‌ای جنبش سندیکایی دوره نخست نام برد: یوسف افتخاری، علی امید، و رحیم همداد. یوسف افتخاری و بارانش هم آن گونه که در بخش اول آورديم به سبب سازمان دهی اعتصاب کارگران نفت جنوب در ۱۳۰۸. به زندان افتاده بودند. رهبری جناحی از زندانیان چپ را بر ابرجناح او انسیان و پیشه‌موری بردوش داشتند. یوسف افتخاری در قبال "محاکمات مسکو" که خبرش از حمار زندان تهران نیز گذشته بود و به میان زندانیان کمونیست نیز رسیده بود، چنان موضعی بره گزیده که از سوی او انسیان لقب "تروتسکیست - زینویفست" گرفت. او انسیان طرف‌داری قید و شرط استالین، و افتخاری مخالف سرسخت استالین بود و او را "متهم به برقراری دیکتاتوری فردی در شوروی مبرک" (۳۴) اما موضع افتخاری در قبال محاکمات مسکو و استالینیزم هر چه که بوده باشد، سندی در دست نداریم تا از پیوند او و بارانش با جنبش تروتسکی سخن بپراند.

و برای دو سال در دانشگاه مسکو "برای زحمت‌گشان شرق" آموزش دید. او در مقام مسئول سازمان جوانان حزب کمونیست به ایران بازگشت و تا ۱۳۰۹ یعنی زمان دستگیری اش به باز ساختن شبکه‌های حزب پرداخت (۳۸). او انسیان نیز در جریان نخستین کنفرانس حزب توده به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد.

مشکل نه تنها برای شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران، که برای اتحادیه‌کارگران ایران نیز مطرح بود اما به دلیل تعیین سیاسی - حزبی که اتحادیه - نخست داشت، سال‌های آن در بعدگسترده‌تری مطرح میشد. ساله با لاولین حلقه از سلسله‌مسائلی بود که تعهد آرمانی و سیاسی رهبران حزب توده یا به بیانی عدم موفقیت هم‌آره، تطبیق مبارزه، طبقاتی درمنا س ملی با جانب داری های جهانی برای حزب توده، ایران آفرید. در طول نخستین دوازده سال حیات حزب توده ۲۳ - ۱۳۲۰ چه بسیار از این مسائل میتوان سراغ گرفت.

اتحادیه، کارگران ایران در سازمان دهی کارگران و به حرکت درآوردن جنبشهای مطالباتی خود را گشاده دست ترمیافت.

بلافاصله پس از برپایی، آذربایجان، تهران و خوزستان به مثابه سه قلمرو جغرافیایی در برابر اتحادیه، کارگران ایران قرار گرفت. علی‌امید که از سازمان دهان اعتصاب گسترده، سال ۱۳۰۸ کارگران نفت بودند دوباره راهی جنوب شده و در آنجا شاخه، آبادان و اهواز اتحادیه را به وجود آورد. در برابر نگرانیهای فرمانداری آبادان از شکل‌گیری حرکت کارگری در منابع نفتی علی‌امید خود را مکلف مییافت تا در برابر فرمانداری آبادان پیایی بر همکاری با متفقین تا کید کنند (۴۳) از سوی دیگر "خلیل انقلاب آذر" که از سوی دفتر مرکزی اتحادیه، کارگران ایران، برای سازمان دادن شاخه، آذربایجان اتحادیه به آنجا رفته بود، دردی ماه ۱۳۲۰ به سبب "تحریک کارگران" و بعد درخواست مقامات شوروی از آنجا رانده شد (۴۴)، "روزنامه"، "تروند" ارگان اتحادیه کارگران شوروی یوسف افتخاری را "پرووکاتور و چپ نما میخواند که عملاً با تحریک کارگران، به کارشکنی در حمایت نظامی از شوروی مبادرت ورزیده است" (۴۵). همین روزنامه اعتصاب کارگران راه‌آهن در ۱۳۲۲ که از سوی این اتحادیه رهبری شده بود را "گناهی ناخوشودنی" برای یوسف افتخاری خواند (۴۶).

با گذشت زمان و پیشروی نیروهای متفقین و پیروزیهایی که در جبهه، شرقی نصیب اینها شد حزب توده، ایران و شورای مرکزی اتحادیه‌های ایران نیز نقشی روشن تر در حیات سیاسی کشور بر عهده گرفتند. به زعم وزارت خارجه انگلیس "حزب توده، ایران که در آغاز حزبی دمکراتیک به نظر میآمد و از حمایت شوروی و بریتانیا برخوردار بود" و مقامات بریتانیایی به شکل‌های گوناگون از آن پشتیبانی میکردند، پس از نبرد استالین گرا در دزدی ماه ۱۳۲۲ به شکل فزاینده‌ی تبدیل به حزبی هوادار روسیه شد" (۴۷). رهبری شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران در، ماندن در برابر مطالبات اقتصادی کارگران که ناشی از افزایش خیره‌کننده، هزینه، زندگی بود و فشار توده‌های متشکل در اتحادیه‌های برای برپایی اعتصاب و این که هرگونه کوتاهی در پاسخ - گویی به خواستهای کارگران منجر به جلب آنها به دیگر اتحادیه‌های فراگیر، یعنی اتحادیه، کارگران ایران گردد و از سوی دیگر تعهدات ایده‌شولوزیک - سیاسی خود در قبال شوروی، سرآخر بر آن شد تا جز و واحدهایی که به طور مستقیم درگیر تولید و ارائه، خدمات به نیروهای متفقین اند، در دیگر واحدها به سازمان دهی حرکت‌های اعتصابی دست زند. از جمله، این اعتصابها اعتصاب کارگران واحدهای نساجی تهران، رفتگران شهرداری تهران، کارمندان دواپردولتی تهران،

و بسیاری دیگر و غیره. در این حزب توده، رهبری سیاسی - سندیکالیستی به یی بر سرور، رهبر، عملاً نقش مسئول ایده‌شولوزیک شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری را بر عهده داشت. از دیگر رهبران پیشمذار اتحادیه‌علی‌کباری بود و با پیشینه، کارمندی در پست و تلگراف سال ۱۳۰۱ به عضویت حزب کمونیست درآمد. برای مدتی در انجمن فرهنگی به نام جمعیت فرهنگ رشت که نقش پوشش برای فعالیت‌های حزب کمونیست را داشت کار کرد، سپس از سوی حزب، مسئول تشکیل اتحادیه‌های کارگری، دخانیات و کارگران کارخانه‌های برج پالک کنی گردید. پس از پیورش دولت به سازمان‌های منفی و سیاسی کارگری، کباری نیز برای مدتی توقیف شد. (۳۹) ویس از تشکیل حزب توده به آن پیوست و در جریان کنفرانس حزبی به عضویت کمیته موقت مرکزی حزب برگزیده شد. از دیگر رهبران محمد باقر فرجامی و انور خامه‌ای از گروه ۵۳ نفر، که هر دو تحصیلات متوسطه داشتند و در طیف روشن فکran حزبی جای میگرفتند، بودند. حسین جودت استاد فیزیک دانشگاه تهران که از سال ۱۳۱۷ پس از اتمام تحصیلاتش در فرانسه و باز - گشت به ایران به تدریس اشتغال داشت، بلافاصله پس از تشکیل حزب توده به آن پیوست و به دنبال نخستین کنفرانس حزبی به عضویت کمیته، مرکزی حزب درآمد. محمد حکیمی و غلام‌علی بابا زاده که از کارگران راه‌آهن بودند و هر دو بعداً به عضویت کمیته، مرکزی حزب توده، ایران درآمدند. محمد حکیمی در سال ۱۳۱۶ به خاطر تلاش برای سازمان دهی کارگران راه‌آهن شمال به زندان افتاده بود و غلام‌علی بابا زاده نیز در نخستین تجربه، جنبش کارگری ایران، سابقه داشت (۴۰). ابراهیم محضری نیز در نخستین سازمان دهی سندیکایی کارگری شرکت داشت و بارها به زندان افتاده بود. او نیز در نخستین کنفرانس حزبی، به عضویت کمیته، مرکزی موقت حزب در، آمد. حسین جهانی نجار بود و نخستین تجربه، سندیکایی اش را با پیوستن به اتحادیه، نجارها در دوره، نخست حرکت کارگری به دست آورده بود. علی اکبر شاندرمنی خیاط و از گروه پنج‌هوا و سمفر، هر دو اینان بعدها در رهبری حزب توده قرار گرفتند. مهدی کی مرام از اتحادیه، کفاشان در نخستین دوره، حرکت کارگری، رضا ابراهیم زاده کارگر راه‌آهن با پیشینه، سازمان دهی سندیکایی کارگران راه‌آهن در پایان نخستین تجربه، جنبش کارگری ۱۰ - ۱۳۰۹ وزندان بود. قازار سمونیان از طیف روشن فکran حزبی با سابقه، سازمان دهی کارمندان، او به واسطه، فعالیت‌هایش در زمان حکومت رضاخان پهلوی بارها به زندان افتاده بود. (۴۱).

بنابراین از ۱۴ نفر عضو شورای رهبری منتخب، نخستین کنفرانس متعلق به شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران ۴ نفر در همان حال، عضو کمیته، مرکزی حزب توده، ایران بودند، و ۴ تن دیگر در طول دوره‌ای کوتاه در رهبری حزب قرار گرفتند و تمامیشان در آستانه، نخستین کنفرانس از کارهای فعال حزب به شمار میآمدند. ده تن از اینان سابقه زندان داشتند. ۳ تن از کارهای حزب کمونیست ایران بودند، سه تن از گروه ۵۳ نفرو ۹ نفر از سازمان دهان جنبش سندیکایی کارگری ایران. هفت نفر از اینان پیشینه، کارگری داشتند و هفت تن دیگر از روشن - فکرانی بودند که دل سپردگی‌شان به جنبش کارگری از آنان سازمان ده سندیکایی ساخته بود.

نخستین کنفرانس شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران همگام با سازمان دهی تشکیلات به بحث پیرامون مسائل و مشکلاتی که جنبش سندیکایی با آن درگیر بودند نشست. از مهم‌ترین

۴۸ ۴۷

عبدالصمد کامبخش از رهبران حزب توده، ایران بعدها برداشت حزبی خود را از تشکیل این شورای متحده چنین ارائه داد: "پس از شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر اتحادیه، کارگران "یوسف افتخاری" که مسئول آبادان و اهواز بود، در آنجا شاخه، آبادان و اهواز اتحادیه را به وجود آورد. در برابر نگرانیهای فرمانداری آبادان از شکل‌گیری حرکت کارگری در منابع نفتی علی‌امید خود را مکلف مییافت تا در برابر فرمانداری آبادان پیایی بر همکاری با متفقین تا کید کنند (۴۳) از سوی دیگر "خلیل انقلاب آذر" که از سوی دفتر مرکزی اتحادیه، کارگران ایران، برای سازمان دادن شاخه، آذربایجان اتحادیه به آنجا رفته بود، دردی ماه ۱۳۲۰ به سبب "تحریک کارگران" و بعد درخواست مقامات شوروی از آنجا رانده شد (۴۴)، "روزنامه"، "تروند" ارگان اتحادیه کارگران شوروی یوسف افتخاری را "پرووکاتور و چپ نما میخواند که عملاً با تحریک کارگران، به کارشکنی در حمایت نظامی از شوروی مبادرت ورزیده است" (۴۵). همین روزنامه اعتصاب کارگران راه‌آهن در ۱۳۲۲ که از سوی این اتحادیه رهبری شده بود را "گناهی ناخوشودنی" برای یوسف افتخاری خواند (۴۶).

کارگران نساجی و چرم سازی تبریز، کارگران نساجی مازندران و جای پالک کنی لاهیجان بود. (۴۸) اما در همین زمان، اتحادیه، کارگران ایران بی‌محابا از نگرانیهای متفقین و کارزار تبلیغاتی، که از سوی حزب توده، شوروی مرکزی علیه آن به راه افتاده بود، هم‌چنان به سیاست،

نیز به وجود آمد. مصدوم که "در خطوط اصلی با اتحادیه، زیررهری حزب توده، ایران هم کاری داشتند" پس از آن که این دوا اتحادیه نیز رضایت خود را برای ایجاد سازمان واحد صنعتی طبقه کارگران ایران اعلام داشتند، با وجود مقاومت شدید "یوسف افتخاری" و کسانش، با لاخر سازمان واحد زیر عنوان شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران به وجود آمد (۵۲).

یوسف افتخاری و یارانش کمبرای سالها تلاش میکردند تا با برپایی حرکت مستقل کارگری مانعی در راه گرایش کهنه اما جان سخت سیاسی کردن محض سازمانهای صنعتی کارگران، و ادغامشان با سازمانهای سیاسی ایجاد کنند، از این زمان خود به عنوان چار تسلیم این گرایش شده با این اختلاف که اینان متحد خود را - که شاید تنها بدیل ممکن برای انتخابشان بود - در احزاب دولتی که مقتدری در جریان سازمان دهی شکل های کارگری خود میبوند - زخم اختلافی که سالها پیش از آن بین سازمان دهان واقعی جنبش سندیکایی ایران در زندان بسته شده بود، این چنین بود که میچرک نشست. خلیل ملکی از رهبران جنبش سوسیالیستی ایران بر این باور بود که "زنده شدن مغرانه، گروه یوسف از نهضت توده ای ایران و محروم داشتن این نهضت، از شخصیت این گونه رهبران برجسته، کارگری بی شک ضایعه بزرگی برای نهضت بود" (۵۳).

xalvat.com

اعتلای جنبش مطالباتی کارگران ۲۵-۱۳۲۳

حضور نیروهای متفقین در ایران و به کارگیری تمامی توان نیروی مولد کشور در جهت حمایت از جبهه شرقی در طول جنگ - بخشهای تولید و خدمات - شماره کارگران را به رقمی برابر با ۶۰۰/۰۰۰ تن رسانده بود (۵۴). به کارگیری تمامی نیروی ممکنه، کار از سوی متفقین، مساله کمیون نیروی کار را به طور جدی در جامعه مطرح میکرد، این امر خود سبب شد تا توان کارگران، برای کسب مطالعات خود افزایش یابد. از سوی دیگر شاخص هزینه، زندگی نیز در سال ۱۳۲۳، در قیاس با سال ۱۳۲۰، ۴/۲ برابر افزایش یافته بود (۵۵). شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران که در مقیاس ملی با حذف تقریبی اتحادیه های رقیب و نیز حمایت نزدیک و تنگاتنگ حزب توده ایران و در مقیاس جهانی با پیروزیهای متفقین در جبهه شرقی جنگ و کاهش نقش استراتژیک ارائه، تولید و خدمات از سوی ایران و در نتیجه افت ضرورت جلوگیری از حرکت های مطالباتی - اعتصابی کارگران روبه رو بود - به شکل گسترده ای به سازمان دهی سندیکایی و رهبری اعتصابی کارگری دست زد. این امر شامل تمامی قلمروهای تولید و نیز خدمات، به خصوص نفت، میشد. تنها پس از تسلیم ژاپن در مرداد ۱۳۲۴ بود که مورد خلوت کارگران صنعت نفت در دستور کار شورای مرکزی متحده، کارگران و زحمت کشان ایران قرار گرفت.

شورای متحده، مرکزی که در مقطع وحدت (اردیبهشت ماه ۱۳۲۳)، ۵۰/۰۰۰ (۵۶) کارگر را در صفوف خود جای داده بود، تا پایان سال ۱۳۲۳ توانست تعداد اعضای خود را به ۱۰۰/۰۰۰ تن افزایش دهد. ماکتورش فزاینده شورای متحده، مرکزی، در طول ۱۳۲۴ بر تعداد اتحادیه های متشکل و اعضای آنها به شدت افزوده شد.

جدول شماره ۴

اسامی اتحادیه های عضو شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران و تعداد تقریبی اعضای هر کدام به سال ۱۳۲۴ (۵۷)

بهشین خویش در قبال مطالبات کارگری ادا نمیداد. از جمله حرکت های اعتصابی که زیر رهبری این اتحادیه همراه افتاد، اعتصاب کارگران مهمات سازی سلطنت آباد در دی ماه ۱۳۲۱، و هم چنین اعتصاب کارگران نفت کرمان شاه، معدن چیان شمشک و کارگران سیمان سازی تهران بود.

xalvat.com

تا پایان سال ۱۳۲۲ شورای مرکزی اتحادیه، کارگران ایران توانست به دوا اتحادیه های زیر را برپا ساخته به زیر چتر تشکیلاتی خویش بکشاند: در تهران اتحادیه های کارگران کارخانه های دخانیات، گلبیرین سازی، سیمان، چوب بری، بنه پاک کنی، کارگاه های کفایش و نجاری کارمندان دارایی و داروسازان، و در شهرهای اصفهان، تبریز (اتحادیه، کارگران آذربایجان)، مشهد (اتحادیه، کارگران خراسان)، اردبیل، شیراز (جمعیت آزادگان)، یزد، بندر شاه، به شهر رشت (اتحادیه، کارگران گیلان) نیز شعبه های خود را ایجاد کرده بود (۵۰). در این زمان، شورای مرکزی اتحادیه های کارگری ایران مدعی بود که توانسته است ۱۰/۰۰۰ کارگر از مجموع ۶۰۰-۵۰۰ هزار تن شماره، کارگران ایران را در صفوف خویش متشکل کند (۵۱). هم گام با این و بطوری تدریجی درهای دیگری نیز از قلمرو سیاست را بر روی خود گشود، از جمله شرکت فعال در جریان انتخابات مجلس چهاردهم بود که دوتن از اعضای ۱۴ نفری شورای رهبری خود - ۱۰ بر ۱۰ هم محضری و حسین جهانی را مستقل از کاندیدا های حزب توده معرفی کرد.

دیگر اتحادیه های رقیب، یعنی اتحادیه، کارگران ایران نیز در طول این زمان توانست بجز تهران، در شهرهای آبادان و شوش و مسجد سلیمان و اهواز و سمنان (اتحادیه کارگران و بافندگان) شاخه های ولایتی خود را برپا کند. نگاهی به شهرهای یاد شده که تماما "به جز تهران و سمنان، که در بخش مرکزی و "منطقه، بی طرف" بودند (در جنوب کشور و منطقه، نفوذ و حضور نیروی نظامی بریتانیا واقع شده بودند، نشان گروهی و جنبش های است که در منطقه وجود داشت که این جریان، برای سازمان دهی سندیکایی، بدان نیاز داشت.

همان گونه که در پیش آمد، تلاش پیشین آن برای سازمان دهی در شمال (آذربایجان) که یله منطقه، تحت نفوذ نیروهای شوروی بود با مخالفت جدی مقامات شوروی و بانا کاسی روبرو شد مشکلاتی از این دست و افزایش نفوذ فزاینده، شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران که پیوند تنگاتنگ با حزب توده قرارداد داشت و از امکانات گسترده ای بهره میبرد، سر آخربان شعبایی در اتحادیه، کارگران ایران انجامید.

در یازده اردیبهشت ماه ۱۳۲۳، به دنبال تشکیل جلسه ای از رهبران بالای جنبش سندیکای ایران، در تهران اعلامیه ای منتشر شد که تولد سازمان جدید سندیکایی را اعلام میکرد. در پای آن اعلامیه، امضای چهار جریان کارگری به چشم میخورد. به جز شورای مرکزی اتحادیه های کارگری ایران که مهمترین آنها بود، سه جریان دیگر عبارت بودند از: "اتحادیه، کارگران ایران (گروه منشعب به رهبری علی امید و خلیل انقلاب آذر)، کانون کارگران راه آهن به رهبری رضا ابراهیم زاده، که عمدتاً در آذربایجان نفوذ داشت) و اتحادیه، زحمت کشان (که قلمرو فعالیتش بیشتر در غرب کشور، کرمان شاه بود) سازمان جدید نام "شورای متحده مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران" نام داشت. و روزنامه "ظفر" را به عنوان ارگان اصلی خویش منتشر کرد. (بارها در جریان توقیف "ظفر" روزنامه، دیگری به نام "بشر" منتشر میشد).

تعداد کل	۲۲۸/۸۵۰	xalvat.com
----------	---------	------------

اگرچه تعداد کل آمده در جدول، تعداد کارگران صنعت نفت عضو شورای متحده، مرکزی را که برابر ۴۵/۰۰۰ تن بود بیفزاییم، شماره، مجموع کارگران عضو شورای متحده، مرکزی به رقمی برابر با ۲۲۴/۰۰۰ تن بالغ خواهند شد. به بیانی دیگر در مقطع ۱۳۲۴، شورای متحده، مرکزی، توانست به قریب به ۵۰٪ کارگران ایران را در چارچوب اتحادیه های وابسته به خود متشکل نماید. در این زمان رده بندی ساختار تشکیلاتی شورای متحده، مرکزی از این قرار بود:

(۱) - واحد شهری، (۲) - واحدا یالتی، (۳) - شورای عالی ۴۵ نفری که در کنگره های سالانه بر گزیده میشد، (۴) - هیات اجرایی ۱۵ نفری منتخب شورای عالی، (۵) - سپس سه دبیری که این هیات اجرایی بر میگزید (۶) - اینان نیز از میان خود، یک تن را با عنوان دبیر کل انتخاب کرده و بر میگزیدند. پیش از انحلال شورای متحده، مرکزی، سیاست دبیر کلی بارش را روستا بود، و دبیر دیگر عبارت بودند از حسین جودت و محمود بقراتی. پیشینه، سیاسی دوفرنخست را از این پیش آوریم. محمود بقراتی از "۵۳ نفر"، پیش از دستگیری مدیر مدرسه بود، او پس از شهریور ماه ۱۳۲۰ به حزب توده، ایران پیوست و در جریان کنگره، اول حزب (۱۳۲۲) به عضویت در کمیته مرکزی حزب درآمد. هم گام با این سه تن، آرداش آوانسیان هم چنان مسئولیت آیدئولوژیک و ایرج اسکندری - دبیر کل حزب توده - مسئولیت مشاور سیاسی شورای متحده، مرکزی را تا آخر ۱۳۲۵ به عهده داشتند (۵۸). در این مقطع شورای متحده، مرکزی صاحب ۶۲ باشگاه کارگری در سراسر ایران بود که از این تعداد ۱۶ باشگاه در تهران قرار داشت. حق عضویت اعضا ۱٪ از در آمد ماهانه را تشکیل میداد که نصف آن به صندوق مرکزی و نصف دیگر به صندوق محلی واریز میشد. با افزایش شاخص هزینه، زندگی و تشدید حرکت های اعتراضی - مطالباتی که عمدتاً حول خواست افزایش دست مزد و ریزش، شورای متحده، مرکزی دوره، نوینی از رهبری حرکت های اعتصابی را آغاز کرد. در طول سال ۱۳۲۳، بیش از چهل اعتصاب عمده تحت رهبری شورای متحده، مرکزی انجام گرفت. از جمله، این اعتصابات عبارت بودند از اعتصاب کارگران نساجی در اصفهان، تهران، مشهد، یزد، چالوس، سمنان، بهشهر و اهواز، کارگران بندر بندر شاهپور کارگران کارگاه های کفashi، نجاری، نانوائی، رفتگران شهرداری، کارگران سیلو و نوشابه سازی در تهران و کارگران شانزده واحد صنعتی از هژده واحد موجود در تبریز.

سال ۱۳۲۴ نیز با همین شماره از اعتصاب های پایانی رسید. عمده ترین این اعتصابات عبارت بودند از: اعتصاب کارگران نساجی در یزد، مشهد، اهواز، چالوس و سمنان، رفتگران شهرداری کرمان، فرش بافان مشهد، کارگران نخ ریزی اصفهان، اعتصابات عمومی در تهران، تبریز و مشهد، اعتصاب کارگران تصفیه خانه، نفت کرمان شاه ویا لایشگاه آبادان (۵۹). روزنامه "رهبر" ارگان حزب توده، خبر اعتصاب کارگران نفت پالایشگاه آبادان را تحت عنوان "یک موفقیت بزرگ" چنین گزارش کرد: "قریب ۱۵۰ نفر از کارگران متشکل قسمت نام برده بعد از تقاضای کتبی قبلی که بدون ترتیب اثر مانده بود، جمعا "به اعتصاب متوسل شدند".

مزد کارگران از بیست و چهار ریال به سی و پنج ریال و از سی و پنج ریال واز سی و شش ریال به سی و هشت ریال، با افزایش، تأثیر مستقیم این عمل، در دسترسیت های، پالایشگاه آنها

اسامی اتحادیه ها	شماره، تقریبی اعضا	ملاحظات
۱ - کارگران راه آهن	۲۰/۰۰۰	
۲ - کارگران مهمات سازی	۶/۰۰۰	در پایان جنگ شماره، کارگران به ۳/۰۰۰ رسید
۳ - کارگران ساختمانی	۴۵/۰۰۰	از این شماره ۱۲/۰۰۰ تن عضو شاخه، تهران بودند
۴ - معدن چیان	۸/۰۰۰	
۵ - کارگران دخانیات	۲/۲۰۰	
۶ - کارگران صنایع اغذیه و نوشابه سازی	۹/۰۰۰	
۷ - کارگران صنایع ریسندگی و بافندگی	۴۰/۰۰۰	
۸ - کارگران فرش باف	۲۰/۰۰۰	واحدهای پراکنده خانگی
۹ - کارگران نقاش	۲/۰۰۰	
۱۰ - کارگران برق کار	۶۰۰	
۱۱ - رانندگان وسائط نقلیه	۶/۰۰۰	مالک وسائط نقلیه
۱۲ - رانندگان وسائط نقلیه	۳/۰۰۰	غیر مالک وسائط نقلیه
۱۳ - کارگران شیشه سازی	۲/۰۰۰	
۱۴ - کارگران قند سازی	۳/۰۰۰	
۱۵ - کارگران آرد سازی و انبار غله	۳/۵۰۰	
۱۶ - کارگران سیمان سازی	۲/۰۰۰	
۱۷ - کارگران صنایع شیمیایی	۲/۳۰۰	
۱۸ - کارگران کشتار گه	۳/۰۰۰	
۱۹ - موسسات آموزشی	۳/۰۰۰	معلوم نیست که این رقم شامل معلمین نیز بوده است یا نه.
۲۰ - کارگران شهرداری	۱/۵۰۰	
۲۱ - کارگران حمام های عمومی	۱/۵۰۰	
۲۲ - کارگران بیمارستان ها	۲/۲۰۰	
۲۳ - کارگران ابریشم بافی	۲/۲۰۰	
۲۴ - کارگران بندر	۱۱/۰۰۰	
۲۵ - پیشه وران از جمله کفاشان	۹/۰۰۰	
۲۶ - کارگران پنبه پاک کنی	۲/۰۰۰	
۲۷ - روزنامه فروش ها	۱۵۰	
۲۸ - ماهی گیران	۵/۰۰۰	
۲۹ - کارگران نوشابه سازی الکلی	۳/۰۰۰	
۳۰ - کارگران وزارت جنگ	۱/۵۰۰	
۳۱ - کارگران کشاورزی	۸/۰۰۰	این رقم تنها کارگران را نیز در بر می گیرد.

مشهودگشت به نحوی که در حدود ۵/۰۰۰ کارگردار این جنبش ذی نفع واقع شدند (۶۰).
 اوج حرکت سازمان گرایانه، شورای متحده، مرکزی، امداد میانه، سال ۱۳۲۵ بود. دو سال رهبری تقریباً "موفق حرکت های اعتصابی و حذف تقریبی سندیکا های رقیب از یک سو، و از دیگر سو اوج اعتلای جنبش چپی که با حزب توده، ایران تعیین یافت و شورای متحده، مرکزی، از حمایت گسترده و تنگاتنگش برخوردار بود، شورای متحده، مرکزی را به جایگاهی رساند که در تجربه، جنبش سندیکایی خاور میانه بسیار نادر می نمود. بازتاب اعتلای جنبش چپ را، در شرکت اعضای رهبری حزب توده - ایرج اسکندری، فریدون کشاورز ویزدی - در کا بینه، اشتلائی قوام در اول مردادماه ۱۳۲۵ و امضای قرارداد ۱۵ ماده ای بین دولت مرکزی و رهبران فرقه دمکرات آذربایجان در مرداد همان سال - که بر اساس آن بسیاری از خواست های فرقه دمکرات پذیرفته شد - می توان سراغ گرفت.

xalvat.com

شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران در این اوج اعتلا توانست ۱۸۶ اتحادیه با مجموع ۳۳۵/۰۰۰ تن را به زیر پرچم خود درآورد. توزیع جغرافیایی اعضا، از این قرار بود: ۹۰/۰۰۰ تن در خوزستان، ۵۰/۰۰۰ تن در تهران، ۵۰/۰۰۰ تن در آذربایجان، ۴۵/۰۰۰ نفر در گیلان و مازندران، ۴۰/۰۰۰ تن در اصفهان، ۲۵/۰۰۰ تن در فارس، ۲۰/۰۰۰ تن در خراسان و ۱۵/۰۰۰ تن در کرمان (۶۱). با چنین تعدادی از اعضا، شورای متحده، مرکزی توانست همگام با جذب توده، تظاهرات کارگری ۷۰۰/۰۰۰ نفری را که عظیم ترین حرکت کارگری تا آن زمان محسوب میشد، در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ برگزار کند (۶۲).

در طول نخستین نه ماه ۱۳۲۵ (یعنی تا لشکرکشی نیروهای دولت مرکزی به آذربایجان، و شکست فرقه دمکرات، که نقطه عطفی در حیات سیاسی کشور به شمار می آمد) شورای متحده مرکزی توانست در مجموع ۱۶۰ اعتصاب موفق را رهبری کند.

از جمله این اعتصابات عبارت بودند از: اعتصاب کارگران نساجی شهرهای رشت، بوشهر، شیراز، بندرعباس و کاشان، کارگران بنادر بوشهر، بندر شامپور و بندرعباس، معدنچیان شمشک کارگران راه آهن قزوین، کارگران چاپ خانه ها، راه آهن، نوشابه سازی، دخانیات، و هم چنین رانندگان اتوبوس در تهران و نیز اعتصاب های عمومی در اصفهان، چالوس و خوزستان (۶۳).

در اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ کارگران نفت درآغا جاری با تقاضای افزایش دست مزد، همراه با تامین شرایط ایمنی در محیط کار، اعتصاب ۱۴ روزه ای را با موفقیت به پایان بردند. دو ماه بعد در تیرماه همان سال بزرگترین اعتصاب کارگری در مناطق نفت خیز خوزستان برپا شد. این بار، این اعتصاب خیلی زود منجر به اعتصابی عمومی در منطقه شد و تمامی بخش های تولید و خدمات را از کار انداخت. به سبب مواضع آشتی ناپذیری کمخست از سوی مدیران "شرکت نفت ایران و انگلیس" اتخاذ شد، با ۴۷ کشته و ۱۷۰ زخمی پایان یافت. کارگران در این اعتصاب، علاوه بر خواست های اقتصادی و از جمله افزایش دست مزد و پرداخت مزد و تعطیل آخر هفته، خواست های سیاسی نیز مطرح کردند که از جمله عزل استان دار خوزستان و انحلال دستگاه سیاسی شرکت نفت بود. ابعاد اعتصاب به حدی بود که دولت قوام از رهبری حزب توده برای فرونشاندن آن درخواست کمک نمود. سر آخر، با سفر هیاتی از حزب توده و شورای متحده، مرکزی به خوزستان، و با عقب نشینی مجدد شرکت نفت، اعتصاب پایان یافت.

آغاز دوران افول ستاره، این حرکت به شمار می آمد.

عمده ترین دلایل این افول را میتوان چنین شمرد: نخست کاهش نرخ تفاض برای نیروی کار، که با پایان گرفتن جنگ پیش آمد.

پس تر گرفتیم که در طول جنگ، تقاضا برای به کارگیری نیروی کار در بخش های تولید و خدمات، برای حمایت از جبهه شرقی جنگ به شدت افزایش یافت و، و بیکاری به مثابه پدید آمدن نا آشنا درآمد. اما با پایان یافتن جنگ به تدریج از نرخ اشتغال نیروی کار کاسته شد. به عنوان نمونه میتوان از کاهش شماره کارگران در صنایع مهمات سازی تا مرداد ۱۳۲۵، که کارگران این صنعت که در جریان جنگ ۶/۰۰۰ تن بوده، با پایان گرفتن جنگ به ۲/۰۰۰ تن رسید. کاهش نرخ اشتغال، وحشت دیرپای بیکاری را به گونه ای گسترده مطرح میکرد که کارگران در جریان جنبش مطالباتی - اعتراضی در موضعی ضعیف قرار میداد. هم زمان، شاخص هزینه زندگی نیز، که در فاصله سالهای ۲۳ - ۱۳۲۰ تا ۲/۱ برابر افزایش یافت، در فاصله سالهای ۲۵ - ۱۳۲۳ به نسبت ۱/۳ کاهش یافت (۶۴). این خود از ضرورت حرکت مطالباتی - اعتراضی کارگران کاهش ایجاد میکرد.

دومین دلیل که نقش عمده ای در افول حرکت سازمان گرایانه، کارگری ایفا کرد، دیگر گویی بود که در حیات سیاسی کشور ایجاد شد. به دنبال شکست جنبش خود مختاری خواهانه در آذر ۱۳۲۵ در آذربایجان، کارزار گسترده ای از سوی دولت قوام علیه حزب توده و سازمان هایی که به آن وابسته بودند، برپا شد. شورای متحده، مرکزی که در تمامی سطوح با حزب توده هویت یافته بود و به سختی میشد بین رهبران و کادرهایش با رهبران و کادرهای حزب توده خط و مرز کشید، نخستین هدف این یورش گسترده بود. در آذر ۱۳۲۵، تعداد کثیری از رهبران حزب توده، شورای متحده، مرکزی و از جمله رضازاده با زداشت شدند. یک ماه بعد، دردی ماه ۱۳۲۵ دفاتر شورای متحده، مرکزی به اشغال نیروهای نظامی درآمد و تمامی کادرهایش تحت پیگرد قرار گرفتند و این چنین بود که با پایان ۱۳۲۵ نخستین دوره زندگی شورای متحده، مرکزی، که چند ماهی پیش از آن در اوج اعتلای خود بود، به پایان رسید.

xalvat.com

عمل کرد دولت، احزاب دست راست و اتحادیه های وابسته به آنان

تلاش برای ارائه بدیلی در مقابل جنبش چپ از سوی جریان های راست از همان ابتدای تحت اشغال درآمدن ایران توسط قوای متفقین مطرح شد. اما نخستین گام جدی در این راستا تنها پس از بازگشت سیدضیا طباطبائی به ایران و ایجاد "حزب وطن" بود، که مرداد ۱۳۲۵ "سید ضیا" طباطبائی "مجری کوتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که مدت ها و مش منجر به از میان رفتن سلسله قاجار و به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی شد. پس از سال ها تبعید، با اصلاح دید مقامات بریتانیایی، در ۱۳۲۲ به ایران بازگشت و با ایجاد "حزب وطن" کارزار گسترده ای را با تکیه بر بنیادهای مذهبی علیه جنبش چپ به راه انداخت. در کنار حزب وطن، که بعد از آن به "حزب اراده ملی" تغییر نام داد، "اتحادیه های" نیز برپا شد که بیش از این که اتحادیه های کارگری به شمار آیند، از باشگاه های توطئه و تخریب بودند که با حمله به دفاتر حزب توده و شورای متحده، مرکزی حزب به خود هستی بخشیدند (۶۵). از جمله اینان اتحادیه ترقی خواهان و کشاورزان "که رهبری آن با برادران رشیدیان بود، "اتحادیه سبزی فروشان و میوه فروشان" (که در اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ برپا شد) و "اتحادیه مرکزی کارگران و کشاورزان" (که در فروردین ماه ۱۳۲۳ در

جوان"، "اتحادیه کارگران و دهقانان ایران"، "اتحادیه کارگران و دهقانان و پیشه وران اصفهان" (دردی ماه ۱۳۲۴ در اصفهان تشکیل شد)، از آن جمله بودند. اعضای اتحادیه اصفهان به همراهی قریب ۱۰۰۰ نفر از رهبران راه سیدنیای طباطبایی در فروردین ۱۳۲۴ با طرح شعار ملی تندمذهبی کارزار گسترده ای را علیه اتحادیه کارگران اصفهان و وابسته شورای متحده مرکزی آغاز کردند که تخریب و اشغال دفتر آن انجامید.

هم گام با حرکتیهای از این قبیل این اتحادیه ها تلاش میکردند تا با انتخاب عناوین غیر واقع که هراز چندگاهی نیز تغییر میکرد - منطقی را که غرب از جنبش کارگری ایران داشت دیگر - گون کنند. به عنوان نمونه به نامهای که "اتحادیه کارگران و دهقانان ایران" به تاریخ آذرماه ۱۳۲۳ به فدراسیون کارگری آمریکاروانه کرد، میتوان اشاره نمود. در این نامه اتحادیه فوق الذکر خود را تنها نماینده راستین کارگری ایران خواند (۶۷).

تلاشهایی از این دست نتوانست در تداوم خود جنبش کارگری ایران را به گونه ای چشم گیر، متأثر کند. تنها با به قدرت رسیدن احمد قوام به نخست وزیری در بهمن ماه ۱۳۲۴ بود که برای تحدید عمل کرد شورای متحده، مرکزی و هم زمان سازمان دهی سندیکایی کارگران قدمهای جدی برداشته شد.

احمد قوام برای دست یابی به این هدف به تلاش در سه قلمرو گونه گون دست زد: نخست، با تصویب قوانین جدید و پیشرفته، کارگری در ادیبشت ماه ۱۳۲۵ به بسیاری از خواستهای که شورای متحده، مرکزی برای مدتها توانست به دست آورد کارگران را حول آن متشکل نماید. دست کم بر روی کاغذ - پاسخی مثبت داد. چنین اقدامی ضمن عقب نشینی در برابر شورای متحده مرکزی نوعی تلاش برای خلع سلاح آن نیز به شمار میرفت. قوانین جدید عبارت بودند از ممنوعیت اشتغال کودکان، هشت ساعت کار روزانه، پرداخت دست مزد روز تعطیل آخر هفته، برخورداری از شش روز تعطیل در سال با دست مزد، حق اعتصاب، به رسمیت شناختن تعطیلی اول ماه به استفاده از دست مزد، و توازن مزدها بهای نیاز مندیهای اولیه.

دوم کوشش برای بی اعتبار کردن شورای متحده، مرکزی و نهایتاً "از میان برداشتن آن" در این باره میتوان از تلاش برای ایجاد شکاف در شورای متحده، مرکزی نام برد. از جمله در بهمن ۱۳۲۵ گروهی که خود را عضو شورای متحده، مرکزی میخواندند، به زور دفتر شورای متحده را در اشغال خویش درآوردند و عدم رضایت خود را از رهبری روستا و دیگران با انتخاب هیات اجراییه جدید اعلام نمودند. طرفه این که در هیات اجراییه جدید نام دوتن از رهبران سرشناس شورای متحده، مرکزی به چشم میخورد: حسین جودت و تقی فداکار. هر چند که هردوی اینان بلافاصله وفاداری خود را به روستا اعلام کردند، اما گروه یادشده هم چنان بر جدایی این دوازده روستا، پای میفشرد. روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران که به سبب توقیف ظفر (ارگان شورای متحده مرکزی) بیانییه های شورای متحده، مرکزی را منتشر میکرد، گروه یادشده را عوامل حزب قوام: "حزب دمکرات ایران" خواند. به باور نمایندگی دولت بریتانیا در تهران "هر چند که مقامات دولتی داشتن هر گونه نقشی را در این ماجرا انکار میکنند، اما این گمان هنوز به جای خود باقی است که شد. شبانه به تهران بازگشتند و در آنجا به کار خود ادامه دادند." (۶۸)

اصفهان ایجاد شد)، را میتوان نام برد (۶۶). در کنار اتحادیه های وابسته به حزب وطن، دیگرانی نیز از جناح راست در پی سازمان دهی سندیکایی کارگران برآمدند. "اتحادیه زحمت کشان"

سوی مقامات حکومت نظامی دستگیر به نقاط مختلف رد و دست تبعید شدند و باشگاه های شورای متحده، مرکزی در سراسر کشور به اشغال نیروهای نظامی درآمد (۶۹). در این زمان بجز تهران که از شهریور ۱۳۲۰ تحت حکومت نظامی قرار داشت، در ایالات خوزستان - بمندبا ل اعتصاب کارگری نت در ۱۳۲۵ - اصفهان و سازندگان از آذرماه ۱۳۲۵ و آذربایجان - بمندبا ل شکست فرقه دمکرات آذربایجان - نیز منقروات حکومت نظامی برقرار بود. اشغال باشگاهها - متعلق به شورای متحده، مرکزی - در آبادان که تعدادشان به ۲۲ میرسد، به درگیری مسلح نیروهای نظامی با کارگران منجر شد که در جریان آن یک کارگر کشته شد. در پی این درگیری، در آبادان ۵۰۰۰ کارگر اعتصاب ۲۴ ساعته ای را به عنوان اعتراض به عمل کرد دولت برپا کردند. اما نیروهای نظامی هم چنان به بازداشت کارگران ادامه دادند و باره ای از کارخانه ها و نیز کارگاهها را به اشغال خویش درآوردند (۷۰).

سومین وظیفه ای که قوام در برابر خویش نهاد، تلاش برای برپایی اتحادیه کارگری وابسته به حزب دمکرات بود. این تلاش در آذر شهریور ماه ۱۳۲۵ به ثمر نشست و "اتحادیه سندیکاهای کارگران و دهقانان و پیشه وران ایران" با حمایت نوبنیاد وزارت کار اعلام موجودیت کرد. در رهبری این سندیکا، به جز یوسف افتخاری دیگرانی قرار داشتند که هیچ روی پیشینه ای در زمینه جنبش کارگری و سازمان دهی سندیکایی آن نداشتند. از جمله اینان عباس شاهنده، کارمند دولت و از رهبران حزب دمکرات، خسرو هدایت مهندس راه و ساختمان و مدیر کل راه آهن ایران و عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات ایران، شریف امامی و دکتر افراشته که هردو از مدیران وزارت کار و دیگر رهبران حزب دمکرات، و آشتیانی زاده بود. عمده سیاستی که این سندیکا برای جلب کارگران در پیش گرفت سیاست تهدید و تطمیع بود (۷۱). با زاریش بر داین سیاست از سوی حزب دمکرات ایران ساختار دولتی بود که عمدتاً "در دست قوام و حزبی قرار داشت. در این میان نقش آرامش وزیر کار و رهبر سازمان جوانان حزب دمکرات، موسوی زاده، و وزیر دادگستری و دبیر کل حزب و هادی قوام از اقوام نزدیک نخست وزیر مدیر شرکت دخانیات در ایران چشم گیر بود.

اما با تمامی این تلاشها، اتحادیه سندیکاهای توانست در تداوم حیات خود، جدا از نقشی تخریبی که بر عهد داشت به جریانی عمده در جنبش کارگری ایران تبدیل شود. در پایان این بحث نگاهی کوتاه نیز به تلاشهای جریانات سندیکایی رقیب برای کسب یک هویت بین المللی می اندازیم.

نخستین گام در این جهت با پایان جنگ جهانی و تشکیل بیست و هفتمین اجلاس "کنفرانس بین المللی کار" در مهر - آبان ۱۳۲۴ در پاریس برداشته شد، در جریان این کنفرانس که شورای متحده، مرکزی با عنوان مشاور هیات نمایندگی ایران شرکت کرده بود، کوششهای بسیاری نیز از جانب شورای متحده، مرکزی و هم هیات اصلی نمایندگی برای کسب حمایت جهانی به عمل آمد. هیات اصلی نمایندگی مرکب از سه تشکل بود: "شورای مرکزی کارگران و پرزگران ایران" (به رهبری یوسف افتخاری) با ادعای داشتن ۱۵۳/۰۰۰ عضو، "اتحادیه کارگران و دهقانان" با

گام بعدی قوام در این راستا تحت پیگرد قراردادن رهبران شورای متحده، مرکزی به بهانه داشتن پیوند و نیز حمایت از جنبش خودمختاری خواهانه، آذربایجان بود. با توقیف روزنامه ظفر، تمامی رهبران بالای شورای مرکزی متحده، به دستور دولت بازداشت شدند و تمامی مال و دارایی شورابه تصرف نیروهای دولتی درآمد. هم زمان صدها تن از کادرهای شورای متحده از

۵۵ ۵۶

دیسر کلر فاج، که در مردادماه ۱۳۲۵ به ایران در زمانی که شورای متحده، مرکزی در اوج اعتلا و بالا بودن رهبری حرکت های مطالباتی - اعتراضی قرار داشت در تصمیم فاج، که دال بر پذیرش شورای متحده، مرکزی به مثابه تنها نماینده، برحق کارگران ایران و رفار و ستابه عضویت در شورای فاج، که موثر افتاد.

بعدهای معنی به سال ۱۳۲۸ رهبران سه تشکل نام برده که اینک در پیوند با اتحادیه سندیکاهای کارگری قرار داشتند (شامل سندیکاهای کارگران و دهقانان و پیشه‌وران ایران) سرخورده از تلاشها و کوششهای ناموفقشان برای عضویت در فاج، که به دیگر جریان کارگری بین المللی که تازه برپا شده بود پیوستند، یعنی به "کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های آزاد کارگری".

xalvat.com

پایان سخن

هنگامی که کنگره چهارم پروفینترن به سال ۱۳۰۲ بر سیاست نادرست رهبران سندیکاهای ایران در "سیاسی کردن افراطی سندیکاها" تاکید میکرد و هنگامی که سیفی نماینده ایران در همان کنگره - که بعدها محکوم تصفیه‌های خون باز استالین شد - از "نیوبرنامه مدرن"، به مثابه مانعی در جنبش سندیکایی ایران (۷۳) نام برده و چکس نمیدانست که دایره بسته باز تولید تجربه‌های تلخ و یک دست در جنبش کارگری ایران شعاعی این چنین کوتاه داشته باشد. تجربه دوم جنبش سندیکایی ایران هر چند به خاطر فرآیند تکاملی که جامعه در فاصله دو تجربه پیموده بود، ویژگیهای خاص خود را داشت اما عمده دلایل افت و شکستش همانی بود که تجربه اول را به شکست کشانده بود.

آرداش آوانسیان از رهبران حزب توده - شورای متحده، مرکزی - سالها بعد در تحلیلی که از جنبش کارگری ایران ارائه داد، ویژگی جنبش سندیکایی ایران را چنین بر شمرده:

"در عمل اتحادیه‌های ایران عاری از شیوه‌ها و سنن تردیونیونیسم مرسوم در اروپای باختری بوده‌اند. به دیگر سخن، حزب کمونیست از نهضت اتحادیه‌ای به وجود نیامد، بلکه حزب است که پایه اتحادیه‌ها را گذاشته است. از این رو اتحادیه، کارگری ایران روح و سنت انقلابی، داشته است (۷۴).

در این که حزب کمونیست ایران از نهضت اتحادیه‌ای به وجود نیامد جای تردید نیست، اما این که پایه‌ریزی اتحادیه‌ها توسط حزب و نه تنها این بل ارائه نهاد تقریباً واحد "حزب سندیکا موجد" روح و سنت انقلابی "در اتحادیه‌های کارگری بوده، رانمیتوان درست پنداشت. به واقع، دو تجربه، جنبش سندیکایی در ایران بیانگر سرنوشت محتوم و تلخی است که پیام پذیرش این "نهاد واحد" بوده است. این نیست جز تقلیل دادن نقش خود آگاهی طبقاتی.

در پی پروایی استبداد و خودکامگی در تخریب مرزهای جامعه، مدنی و دولت و نادیده گرفتن مرزهایی که نهاد های گوناگون را از یک دیگر تفکیک میکند، جای تردید نیست، به بیانی، چنین

ادعای داشتن ۱۰/۰۰۰ عضو و سرآخر "اتحادیه" کارگران و پیشه‌وران ایران "مدعی داشتن سی و پنج هزار تن عضو (۷۲).

تلاش شورای متحده، مرکزی برای شناسایی بین المللی سرانجام با عضویت آن در فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (ف.ج. ۱۰ ک) در مرداد ۱۳۲۵ تحقق یافت. در جریان این تلاش (ف.ج. ۱۰ ک) ملزم شد تا نماینده‌ای برای بررسی جنبش سندیکایی به ایران روانه کند. سفر لویی سایان

زدواز سوی دیگر خوبه فروکشاندن آن همت گماشت.

توش وتوان کارگران اعتصابی در طرح خواستهای سیاسی و یا فشردن بر آن، اگر از سوی رهبری توده - شورای متحده، مرکزی، نادیده گرفته میشد، اما برای دیگرانی چون دکتر محمد مصدق، که سالها بعد با طرح شعار ملی شدن صنعت نفت جنبش توده‌ای را به حرکت درآوردند، قابل مل بود.

xalvat.com

منابع و مآخذ

1- Bharier, J: Economic Development In Iran 1900-1970.

Oxford university Press. 1971.

۲- گزارش محمد دهگان به دفتر اجرایی Inprekoo Nr. 27, 7 Mars 1922

بین الملل سندیکاهای سرخ، بمنقل از اسناد جنبش کارگری، مزدک، جلد ۶.

۳- اسناد وزارت خارجه، بریتانیا F.O 371/7819

4 - Iraj Eskendari. Histoire de Parti Toudéh. Moyen oré - ental Nos. 5-15 [1949-1950].

۵- آرداش آوانسیان در صفحاتی چند از جنبش کارگری و کمونیستی ایران در دوران اول سلطنت رضاشاه (انتشارات حزب توده، ایران ۱۳۵۸) از بازه اتحادیه سخن به میان آورده است.

۶- گزارش محمد دهگان، همان جا.

۷- " " " " "

۸- آرداش آوانسیان همان جا.

۹- عبدالحسین آگاهی، ۶۰ سال از تاریخ تاسیس حزب کمونیست ایران گذشت، دنیا، دوره ی چهارم، شماره ۳، ۱۳۵۹.

۱۰- دهگان ه. ک

۱۱- " " " "

۱۲- جعفر پیشه‌وری، سرگذشت من، آژیر، شماره ۹۱، ۱۵ مرداد ۱۳۲۲

۱۳- سالنامه حزب توده، ایران، انتشارات حزب توده، ایران ۱۹۷۰

۱۴- اسناد جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، انتشارات مزدک ۱۹۷۷ ص ۲

۱۵- آوانسیان ه. ک ۱۶- گزارش به سومین کنگره بین الملل سندیکاهای سرخ در بازه ایران به نقل از اسناد جنبش کارگری جلدش ۱۷۰ اقتصاد جهانی و سیاست جهانی، شماره ۲ سال

۱۹۲۶ به نقل از آوانسیان ه. ک ۱۸۰- گزارش به سومین کنگره بین الملل سندیکاهای سرخ در بازه ایران، همان جا ۱۹- انور خامه‌ای "پنجاه نفرو سمنفر" انتشارات هفته، تهران ۱۳۶۲.

۲۰- آوانسیان ه. ک ۲۱- گزارش به چهارمین کنگره بین الملل، گزارش برای چهارمین

کنکره (۲۸-۲۴۱۲) ISK au travail به نقل از اسناد جنبش کارگری جلد
 ۲۲- عبدالصمد کامبخش، شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری در ایران، تهران ۱۳۵۸، ۲۳-
 عبدالصمد کامبخش، به نقل از ستاره، سرخ همان جا ۲۴- کامبخش ه.ک. ۲۵- اسناد وزارت
 خارجه، بریتانیا، Workers Strike in Abadan and their Demands, F.O.371/13783
 ۲۶- کامبخش ه.ک. ۲۷- کامبخش ه.ک. ۲۸- 28 et 29-Bharier.J.Op.cit.

بوری پی‌پی، سمیرا، مصحح به سنده، سازمان صنی بهروسی به سازمان سیاسی سرزمینی
 کرد، از یورش و سرکوب مصون میماند. آنچه بیشتر مطرح است تداوم حرکت صنفی است، جدا
 از افت و خیزهای اجتناب ناپذیر حرکت سیاسی. دومین تجربه، جنبش سندیکایی ایران موید
 این امر است.
 نیویورک، روشن و مدرن در سازمان دهی سندیکایی و رهبری مبارزات مطالباتی. اعتراضی
 نیز در طول دومین تجربه، به گونه، روشنی خود را در اعتصاب کارگران منابع نفت در تیرماه سال
 ۱۳۲۵ نشان داد. شورای متحده، مرکزی از یک سوبه فراخوانی اعتصابی اقتصادی سیاسی دست

۵۸ ۵۷

۳۰- ناصر پاکدامن، آمارنامه اقتصاد ایران در آغاز جنگ جهانی دوم، جلد اول، از انتشارات
 دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، ۳۱- ایران در کنگره چهارم بین الملل
 Persian protocol uber 4, Kongress der Gewerkschafts.
 International, Moscou. 17 Maarz -3 April 1928

xalvat.com

32- Foreign relations of the united states ,Ambassador
 to the state departements. 26 june 1945.
 ۳۳- انورخامه‌ای فرصت بزرگ از دست رفته، انتشارات هفته، تهران ۱۳۶۳، ۳۴- انورخامه‌ای،
 پنجاه نفر و سمنفر، انتشارات هفته تهران ۱۳۶۲، ۳۵- نصرت الله جهان‌شاهلو افشار، ما و
 بیگانگان، ۳۶- انورخامه‌ای پنجاه

37- Abrahamian.E. Iran between two revelutions, Princeton
 University Press. 1982 . 38- Abrahamian.Op.cit

۳۹- نامه مردم، شماره ۲، تهران ۱۳۲۵.
 40 et 41 -Abrahamian.op.cit.

۴۲- کامبخش، تشکیل حزب توده ایران، دنیا دوره دوم شماره ۳، ۱۳۴۵، ۴۳- اسناد وزارت
 خارجه، بریتانیا Labour and trode union movement in Persia
 ۴۴- اسناد وزارت همان مآخذ، F.O. 371/5733.
 ۴۵- اسناد وزارت

The visit of soviet trade union delegation to Persia.
 from Moskow to forien office. F.O.371/45450
 ۴۶- اسناد وزارت Op.cit.

The tudeh party and iraninan trade unions, F.O.371/61993
 48- Iran-Report of activity of the world federation of
 trade union congress, Milan 29 julay 10 1949?

49- labour and
 ۵۰- اسناد وزارت مآخذ لا ۵۱- ظفر، شماره ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵، ۵۲- کامبخش:
 از نخستین کنفرانس ایالتی تهران تا نخستین کنگره حزب دنیا دوره دوم، شماره ۱۳۲۷، ۵۳-
 خلیل ملکی، خاطرات سیاسی انتشارات رواق تهران ۱۳۵۷، ۵۴- اسناد وزارت خارجه،
 بریتانیا، رجوع شونده مآخذ ۵۵- بولتن بانک مرکزی ایران شماره ۹-۲۰۸، ۱۳۳۸، ۵۶-

69-World Federation of trade union situation in Iran
Prague 2nd 14th 1947. 70 et 71-IdeM.
72-Record of poceeding of 27th session of international
labour conferance.Paris.1945.

۷۳- سخن رانی سیفی در چهارمین کنگره، بین الملل سندیکاهای سرخ، همان جا .

۷۴- آرداشس آوانسیان، همان جا .

xalvat.com

۵۹

کامبخش، از نخستین کنفرانس ایالتی. ۵۷۰۰ اسنادوزارت. رجوع شونده مآخذ شماره ۴۷
58- Sephr Sabih.The communist movment in Iran.University
of California press.1966. 59- Abrahamian op.cit
۶۰- رهبر، شماره ۳۰، تیر ۱۳۲۴ . ۶۱- رضاروستا، سخن رانی برای کارگران راه آهن، ظفر بیست
و چهار مرداد ۱۳۲۵ . ۶۲- سالنامه، حزب توده، ایران، همان مآخذ.
63-World Federation of trade unions.Report[1945-49].
۶۴- بولتن بانک مرکزی ایران همان مآخذ. ۶۵- اسنادوزارت. ۰۰۰ F.O.371/34-35120
66- Op.cit.labour and.....67-Op.cit.
68-Op.cit-effort to depose Reza Rusta,F.O.371/5733.

الفبا

به همت :

علامه حسن باعدی

دورهء جدید - جلد ششم

پائیز ۱۳۶۴ شمسی

حق اشتراک در فرانسه :

اشتراک دانشجویی : برای چهار شماره صد و بیست فرانک

اشتراک عادی : برای چهار شماره صد و پنجاه فرانک

اشتراک همت عالی : حداقل پانصد فرانک

به حق اشتراک مشترکان دیگر کشورها ، مصالح زیر بابت هزینه های پستی افزوده می گردد :

کشورهای اروپای غربی : معادل بیست فرانک فرانسه

ایالات متحده آمریکا و کانادا : معادل سی فرانک فرانسه

حق اشتراک خود را به حساب زیر وارز نمائید :

xalvat.com

GH. SAEDI
00150033326
SOCIETE GENERALE
AW Porte Maillot
136, Ave.de Malakoff - 75016 PARIS

مراسلات و فتوکپی رسید بانکی را به آدرس زیر ارسال دارید :

GH. SAEDI
KETABE - ALEFBA
B.P. 215-07
75327 PARIS CEDEX 07

بالای صفحه